



# فلسفه هنر و تولستوی

• ورن هال

• ترجمه دکتر جلال سخنور

می‌شود که نامفهوم می‌نماید. ازین گذشته تعریفی را که نویسنده‌ای برای هنر مطرح می‌کند بلافاصله نویسنده‌ای دیگر رد می‌کند. و از آنجایی که هرآنچه مایه لذت طبقه مرفه جامعه گردد رنگ زیبایی به خود می‌گیرد، تولستوی به این نتیجه می‌رسد که مفهوم زیبایی، خود صرفاً موضوع را پیچیده می‌کند. «خلاصه این که چنین لذتی صرفاً به خاطر این که لذت است یا ارزش است.» به هرحال این تعریف نیست بلکه حيله‌ای است در جهت توجیه هنری که در واقع وجود دارد. کاستی کلیه تعاریف هنر ناشی از نشأت گرفتن آنها ازین تصور است که لذت غایت هنر می‌باشد. بنابراین تولستوی در تعریف هنر آگاهانه «لذت» و

«زیبایی» را حذف می‌کند. «هنر فعالیتی است انسانی مشتمل بر این حقیقت که فردی از روی آگاهی و بیاری پاره‌ای علائم، احساساتی را که در طول زندگی خود تجربه کرده به دیگران منتقل می‌سازد، به طوری که دیگران از این احساسات تأثیر پذیرفته و آن را تجربه کنند.» پسر بچه‌ای گرمی را می‌بیند، ترس وجودش را فرا می‌گیرد. حال نویسنده به هنگام نقل ماجرا اگر قادر باشد احساس ترس را به شنوندگان خود منتقل کند هنر آفریده است و یا حتی اگر چنین ماجرای را جعل کند و آنرا به نحوی بیان نماید که شنوندگان بتوانند احساسات تخیلی وی را لمس کنند این نیز هنر است.

این تصور نادرست که هنر لذت آفرین است چگونه رواج یافت؟ چنین عقیده‌ای برخاسته ازین واقعیت است که ارزیابی ارزش هنر به تلقی انسانها از «خوب» و «بد» بستگی دارد. مادامی که مردم دیدگاهی

مخالفت با هنر یا حداقل با برخی از گونه‌های هنری را که افلاطون با تکیه بر اخلاقیات بنا نهاد و سانسورگران - با تفتیش عقاید در داخل و خارج کلیسا - رواج دادند، به شکل بارزی در نظریه تولستوی تجلی یافت. لئون تولستوی (۱۸۲۸-۱۹۱۰) در سال ۱۸۹۸ به هنگام انتشار کتاب هنر چیست؟ نه تنها از اغلب هنرهای معاصر خود روی برگرداند بلکه رمان‌های بزرگ خود را نیز رد کرد. و بدین سبب بود که يك بانوی رمان نویس معاصر، او را بزرگترین دشمن دوست نما از زمان یهودا تاکنون می‌شمارد. با این حال احساس شخصی تولستوی این بود که وی بیش از دیگران برای هنر ارزش و اهمیت واقعی قائل است.

در صفحات آغازین کتاب هنر چیست؟ تولستوی تعجب و حیرت خود را از مبالغ هنگفت پول و تلاش بی‌وقفه‌ای که صرف هنر می‌شود ابراز می‌دارد. هنری که مانع رشد زندگی انسان و مخالف عشق اوست. هزاران هزار نفر برای تولید آثار هنری در تلاشند و برای آن مالیات هم می‌پردازند. هنری که نه تنها سودمند نیست بلکه اغلب زیان بار است. معیار حامیان هنر در توجیه ارزش اجتماعی آن کدامست؟ به عبارت دیگر هنر چیست؟

يك زیبایی شناس می‌گوید: «هنر تکاپویی است که زیبایی را پدید می‌آورد.» تولستوی می‌گوید: «بسیار خوب، اما زیبایی چیست؟» اگر به نویسندگان آثار زیبایی شناختی روی آوریم، جز سردرگمی چیزی عایدمان نمی‌شود. البته تعاریفی از زیبایی در دست است، لیکن این تعاریف چنان آشفته و گنگ بیان

مذهبی از زندگی داشتند براین باور بودند که هنر باید آن دیدگاه را ترویج کند و چنین هنری لازمست در دسترس همگان باشد. در دورهٔ رنسانس تحولی عظیم به وقوع پیوست. طبقات بالای جامعه - از جمله پاپ‌ها و اسقف‌های آن زمان - به هیچ چیز عقیده نداشتند و بنابراین سلیقهٔ شخصی را معیار ارزیابی هنر قرار دادند و لذت شخصی برای آنان معیار خوبی و بدی اثر هنری قرار گرفت. مردم به دست فراموشی سپرده شدند و از آن به بعد هنر، تجلی زندگی اشرافی و منحصر به طبقهٔ اشراف گردید و به همین حال باقی ماند. تولستوی می‌گوید: «به راستی در حال حاضر موقعیت هنر چنان نامطلوب است که غالباً هنری را که هیچکس قادر به درک آن نیست بیش از همه تحسین می‌کنند». تمامی نقایص هنر معاصر از نظام نادرست جامعه سرچشمه می‌گیرد. هنر ساختگی<sup>۲</sup> که امروزه حکمفرماست نیز یک هنر انحصاری است که حیات آن تنها با استثمار توده‌های مردم میسر است و بقای آن صرفاً منوط به تداوم این بردگی است. با وجود بردگان پول و سرمایه، خلق آثار هنری ظریف غیرممکن نیست. دفاع ازین هنر به دلیل خوشایند بودن برای معدودی، دقیقاً همانند طرفداری از برده‌داری - که رفاه حاصل از آن خوشایند ارباب است - غیراخلاقی است.

انحصار هنر به خواص، نه تنها غیراخلاقی است بلکه به ابتذال و تحریف هنر نیز انجامیده است. هنر حقیقی هنری است که انتقال احساسات پاک و تازه را طلب می‌کند. اما به هرحال دامنهٔ احساساتی که ثروتمندان و قدرتمندان تجربه می‌کنند بسیار محدودتر از حوزهٔ احساسات کارگران است نتیجه چنین محدودیتی چیست؟ هنر مطلوب طبقات مرفه به سه احساس پست محدود می‌شود که عبارتند از: غرور، بی‌زاری از زندگی و بالاتر از همه شهوت جنسی.

فقر موضوعی هنر معاصر با پیچیدگی افزاینده همراه است. بهترین هنر، هنری است که برای عموم قابل فهم باشد. هنگامی که یک هنرمند یونانی یا یک پیامبر عهد عتیق اثری خلق و یا مطلبی را بیان می‌کرد، مخاطبین عامهٔ مردم بودند. اما امروزه که هنر محدود به خواص است اگر جمع کوچک هنرمندان کنایات او را دریابد رضایت وی حاصل می‌شود. «در نهایت نه تنها ابهام، بیان رمز گونه، پیچیدگی و انحصارگرایی - محروم کردن توده‌ها - تا سرحد شایستگی و شرط هنر شاعرانه ارتقاء یافته است بلکه اکنون سهل انگاری، عدم صراحت و فقدان فصاحت هم تحسین می‌شوند.» تولستوی می‌گوید: «برخی از هنرمندان معاصر وی در عمل حتی دیگر به قبيله کوچک هم نمی‌اندیشند و تنها برای خویش می‌نویسند.» این باور که هنر خوب باید دشوار باشد بدعتی بیش نیست زیرا از آنجائی که هنر را با یادگیری کاری نیست، هنر خوب همواره برای عموم ملموس بوده و هست اگر هنری در تاثیر گذاردن بر عموم جامعه ناتوان باشد به معنی عدم درک اکثر مردم نیست، بلکه بدی هنر را اثبات می‌کند. هنر بد، هنری است که امروزه رواج دارد و درواقع به هیچ وجه نمی‌توان با عنوان هنر از آن یاد کرد، زیرا اصیل نیست. برای خلق چنین هنری چهار شیوه وجود دارد: اولین شیوه وام‌گیری موضوعات و خصوصیات آثاری است که «شاعرانه‌اند» دومین روش، تقلید است که در آن تمامی جزئیات از قبیل لحن گفتار و

توصیف دقیق لباس و زندگی کاراکتر تقلید می‌شود. راه سوم مهیج کردن اثر هنری است یعنی بهره‌گیری از تأثیرات و اعمال هیجان‌انگیز، ترکیب زیبایی و هراس‌انگیزی، نور و تاریکی. و بالاخره چهارمین طریقه، جالب جلوه دادن اثر است. برای این کار هنرمند از بی‌رنگی پيچیده و توصیف موارد جالبی چون زندگی مصریان و رومی‌ها و یا جزئیات استخراج معادن، سود می‌جوید. خوانندگان هم اغلب کشتش و جاذبه را با تاثیر هنری اشتباه می‌کنند، درحالی که شاعرانه، واقع‌گرا، مهیج یا جالب بودن به معنای خلق هنر نیست.

هنر تصنعی<sup>۳</sup> - در پی انفصال هنر طبقات مرفه از هنر جهانی - هنر واقعی را از میدان به در کرده است. اوضاع جامعهٔ امروزی با تولید هنر ساختگی هماهنگی دارد. هنرمندان هنر را حرفهٔ خود قرار داده‌اند زیرا ازین طریق مبالغه‌معتناهی پول به دست می‌آورند. واضح است که برای کسب چنین پولی هنرمندان می‌باید طالبان هنر را که عامهٔ مردم باشند خوشنود کنند. به علاوه افزایش نقد آثار هنری نیز مطرح است. امروز هنر را نه مردم عادی بلکه منتقدین منحرف و یا از خودراضی ارزیابی می‌کنند. آنان در تلاش برای تفسیر هنر، ذوق را به انحراف می‌کنند. اگر هنرمند در انتقال احساسات خود موفق باشد دیگر جایی برای توضیح باقی نمی‌ماند، اما منتقدان که شخصاً حساسیت هنری ندارند به معیارهای برونی - به ویژه موازین سنت هنری - متوسل می‌شوند در تلاش برای وادار ساختن هنرمند جوان به تبعیت از سنت استعدادش را سرکوب می‌کنند.

سرانجام مکتبهای هنری پدیدار گشتند. اما از آنجایی که هیچکس نمی‌تواند «چگونه احساس کردن» را به دیگران بیاموزد، این مکتبها تنها قادرند جعل و تمهید را به پیروان خود یاد دهند و بدین گونه هم آنچه را که ساختگی است، می‌آموزند و هم استعداد خلق هنر واقعی را در شاگردان از بین می‌برند. هنر اصیل ابتدا به احساس و بعد به تکامل فرم استوار است. فرم، احساس را تاثیر گذار کرده و از آن هنر می‌آفریند. «تأثیرگذاری زمانی حاصل می‌شود که هنرمند مراحل و دقائق بسیار ظریف تشکیل دهنده اثر هنری را دریابد و این تأثیرگذاری هم به میزان دریافت هنرمند بستگی دارد. آموزش دریافت این دقائق به مردم با توسل به ابزار برونی غیرممکن است. فهم و دریافت تنها از راه تسلیم شدن به احساسات امکان‌پذیر است.»

تمجید اپراهای واگنر بهترین مثال برای نمودن این واقعیت است که مردم تا چه حد استعداد درک هنر حقیقی را از دست داده‌اند. تمامی شیوه‌های جعل هنر همچون وام‌گیری، تقلید، استفاده از تأثیرات دراماتیک و جالب جلوه دادن همگی در اپراهای این موسیقیدان آلمانی مشهود است. پی رنگ او «طرح احمقانه و بی‌انسجام قصه پریان است» و موضوعاتش «شاعرانه» است همچون زیبای خفته، کوتوله‌ها، شمشیرهای سحرآمیز و غیره. به علاوه، همه چیز هم تقلیدی است، از دکوراسیون و لباس گرفته تا اصوات. واگنر ضربهٔ چکش، صدای هیس آهن گداخته و آواز پرندگان را تقلید می‌کند. او عمداً از تأثیرات جذاب مانند شعله‌های

جادویی صحنه‌هایی در اعماق آب، تاریکی و تأثیراتی ازین قبیل استفاده می‌کند. البته در آثارش همه چیز جالب می‌نماید. قاتل و مقتول چه کسانی خواهند بود؟ چه کسی فرزند کیست؟ چگونه امواج خروشان راین و دلیری و سیبهای سرخ درخت را می‌توان به کمک موسیقی بیان کرد؟

بنابراین تعجبی ندارد که واگنر در کار خود موفق است. در وی کج ذوقی و تمامی مفاهیم ساختگی که هنر تصنعی را بوجود می‌آورند به اوج تکامل رسیده‌اند. تولستوی می‌گوید واگنر فقط یک نمونه است. نسبت آثار اصیل هنری به آثار ساختگی - که برای کج ذوقان خلق می‌شود و سرانجام ذوق آنان را تباہ می‌کند - یک به صد هزار است.

چگونه می‌توان درحالی‌که هنر رو به انحطاط است هنر واقعی را شناخت؟ برای یک روستایی که از ذوق سلیم برخوردار است چنین شناختی آسان است. غریزهٔ طبیعی وی را به گزینش هنر واقعی مورد نیازش هدایت می‌کند. اما شخص تحصیل کرده‌ای که تمایلاتش از مسیر طبیعی منحرف شده با مشکل بزرگتری روبروست.

راه شناخت هنر خوب، [علاوه بر معیارهای ارزشی و طرح مسألهٔ تعهد در هنر] گزینش آن است. اگر به هنگام خواندن اثر شخص دیگری بی‌درنگ حالت درونی خاصی احساس کنید که پیوند روحی بین شما و نویسنده برقرار کند، آنگاه با هنر واقعی سروکار دارید. «اثر هنری واقعی در ضمیر آنگاه مخاطب نه تنها فاصله میان وی و هنرمند را از میان برمی‌دارد بلکه احساس جدایی میان او و اذهان دیگرانی که اثر را دریافت می‌کنند هم، محو می‌سازد. در این رهایی شخصیت ما از جدایی و انزوا و در پیوند آن با دیگران خصلت مهم و جاذبهٔ عظیم نیروی هنر نهفته است.» تولستوی می‌افزاید: «هرچه این تأثیر نیرومندتر باشد هنر والا تر است.» درجهٔ گزینش هنر به خلوص نویسنده بستگی دارد. نیازی درونی می‌باید نویسنده را به بیان احساس شخصی برانگیزد. آنگاه برای انتقال درست احساس به دیگران در جستجوی روشن‌ترین تعبیر خواهد بود. معیارهای مورد قبول تولستوی عبارتند از: شخصیت فردی، وضوح و خلوص.

تاکنون تولستوی روشن ساخته است که تأثیرگذاری اثر هنری از تعالی فرم نشأت می‌گیرد پرسش بعدی او دربارهٔ موضوع است. او می‌پرسد: «معیار تشخیص خوبی یا بدی موضوع هنری چیست؟»

در جواب می‌گوید: «ابتدا باید هنر را همانند کلام، ابزار ارتباط و پیشرفت بدانیم. تکامل دانش با جایگزینی علم بهتر و جدیدتر صورت می‌گیرد. اما تکامل احساسات بوسیله هنر انجام می‌پذیرد. احساساتی که برای سعادت بشر مناسبتر و ضروری‌ترند به بیش مذهبی دوران بستگی دارند (البته منظور تولستوی از بیش مذهبی، تعلیمات کلیسا و آیین‌های مذهبی نیست). هر عصری بیش خاصی دارد» بیش مذهبی عصر ما در جامع‌ترین جنبه کاربردی آن آگاهی ازین معنی است که سعادت مادر ابعاد مادی، معنوی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی بستگی به رشد احساس برادری و سازش

محبت آمیز با یکدیگر دارد.» هنری که انحصاری باشد بد و هنر خوب اتحاد آفرین است. هنر خوب دو گروه است: اول، هنر مذهبی است که احساس عشق به پروردگار و همسایگان را منتقل می کند (تولستوی می گوید: «این گونه هنر با هنر کلیسایی<sup>۲</sup> کاملاً متفاوت است») دوم، هنر جهانی<sup>۳</sup> که ساده ترین احساسات مشترک میان انسانها را منتقل می کند.

تولستوی غارتگران اثر شیلر، پیتولیان اثر ویکتور هوگو، آدام بید نوشته ایوت، کلیه عمو تام کار بیچر استو، داستان دو شهر نوشته دیکنز و کارهای داستایوسکی را به عنوان نمونه هایی از هنر مذهبی نوین برمی شمارد.<sup>۴</sup> وی در میان آثار دسته دوم، نمونه هایی که از جایگاه ارزشمند برخوردار باشد کمتر می یابد دن کیشوت، کمندی های مولیر، دیوید کاپرفیلد و گزارشهای پیکویک اثر چارلز دیکنز<sup>۵</sup> را می توان به این دسته نسبت داد. اما آنها را نمی توان با داستانی جهانی همچون قصه یوسف و برادرانش که در کتاب مقدس آمده - به صرف این که هر یک شامل جزئیات فراوانی است که منحصر به زمان و مکان خاصی می باشد - برابر دانست. در عین حال از میان این همه، نمایشنامه های مولیر جهانی ترند. تولستوی از میان آثار خود «خدا حقیقت را می بیند اما صبر می کند»<sup>۶</sup> را به عنوان نمونه ای از هنر مذهبی و یک زندانی در قفقاز<sup>۷</sup> را نمونه ای از هنر جهانی می داند. تولستوی می پذیرد که آثار دیگر او کلا در حیطه هنر مبتذل قرار دارند. موسیقی و نقاشی هم می توانند احساسات جهانی را بیان کنند. نقاشی و موسیقی بد (مانند سمفونی شماره ۹ بتوون) هنر انحصاری است و نه جهانی. اگرچه تولستوی بر این باور است که نگرش وی تنها نگرش صحیح است، اما او برای نمونه های ویژه ای که برمی شمارد اهمیت چندانی قائل نیست و می گوید: «من به طبقه ای از مردم تعلق دارم که ذوق و تمایلاتشان در اثر تعلیمات نادرست منحرف شده است و ازین رو عاداتهای دیرینه ممکن است مرا به اشتباه وادارند.»

تولستوی بارها خشم آلوده به آنچه که وی آن را پیامدهای تکان دهنده نبود هنر حقیقی در جامعه مدرن می داند اشاره می کند، یعنی صرف نیروی عظیم و استعمار وحشتناک میلیونها انسان برای تولید هنر تصنعی که مردم از آن هیچ سودی نمی برند. هنر امروزی به طبقات مرفه جامعه اختصاص دارد. اما چنین هنری حتی برای خود آنها بهره ای جز بدبختی و برداشت غلط از زندگی به همراه ندارد. به نظری هنر جعلی که شامل خرافات مربوط به کلیسا و میهن پرستی است و فساد را در سطح گسترده ای اشاعه می دهد مدتها مانع روشن گری حقیقی مردم شده است.

خوشبختانه راه علاجی وجود دارد، چرا که در جامعه امروزی بیش از پیش مذهبی بچشم می خورد. «هرچند تعاریف متفاوتی از سرانجام زندگی بشر وجود دارد اما امروزه همه انسانها پذیرفته اند که غایت سعادت انسان از طریق اتحاد با یکدیگر میسر است.» چنین بینشی مسیر هنر آینده را مشخص می کند. این هنر حامل احساساتی است که انسانها را به هم پیوند می دهد در این صورت دیگر هنرمندان نه از طبقه مرفه یا وابستگان آنان بلکه از میان استعدادهای مردمی

برگزیده خواهند شد، هنر در دسترس همگان خواهد بود. وضوح، سادگی و اختصار طلب خواهد شد. دیگر هنرمند حرفه ای وجود نخواهد داشت بلکه در آینده تمامی افراد جامعه که نسبت به چنین فعالیتی احساس نیاز کنند، آفرینشگر هنر خواهند بود ولی فقط زمانی که چنین نیازی را احساس کنند به کار هنری می پردازند. تولستوی پیامدهای ناشی از موضع خود را به طور کامل می پذیرد. اکنون اگر از تولستوی می پرسیدند که آیا بهتر نیست به جای آنچه امروزه هنر بحساب می آید اصلاً هنری وجود نداشته باشد؟ او در پاسخ بالا جبار موضع افلاطون را انتخاب می کرد و می گفت: «فکر می کنم که هر انسان خردمند و با فضیلت مسأله را آن گونه حل می کند که افلاطون در کتاب جمهوریت و نخستین پیروان مسیح و نیز مبلغان آیین محمدی به آن پاسخ گفتند، یعنی می گوید به جای هنر تباه کننده و یا هنر متظاهر و تصنعی که امروزه رواج دارد، ترجیح می دهم اصلاً هنری نباشد.»

با این وجود تولستوی برخلاف افلاطون معتقد به پیشرفت است. او فکر نمی کند که نیاز به طرح این سوال یا انتخاب راه حل افلاطون باشد. بشر قادر است به اشتباهاتی که مبتلا به آنهاست پی ببرد و برای اجتناب از آنها راه حل بیابد.

#### فهرست مأخذ

##### الف - منبع اصلی

1. Hall, Vernon. A Short History of Literary Criticism. The Merlin Press, London, 1964
2. Berlin, Isaiah. The hedgehog and the Fox; an Essay on Tolstoy's View of History. New York, 1953.
3. Farrell, J. T. Literature and Morality. New York, 1953.
4. Cibian, George. Tolstoy and Shakespeare. The Hague, 1957.
5. Knight, G. W. Shakespeare and Tolstoy. London, 1934.
6. Maude, Aylmer. Tolstoy on Art and Its Critics. London, 1925.
7. Simmons, E. J. Leo Tolstoy. Boston, 1946; New York, 1960.
8. Steiner, George. Tolstoy or Dostoevsky, an Essay in the old Criticism. New York, 1959.
9. Tolstoy, L. N. What is Art? and Essays on Art; tr. by Aylmer Maude. London, 1938.

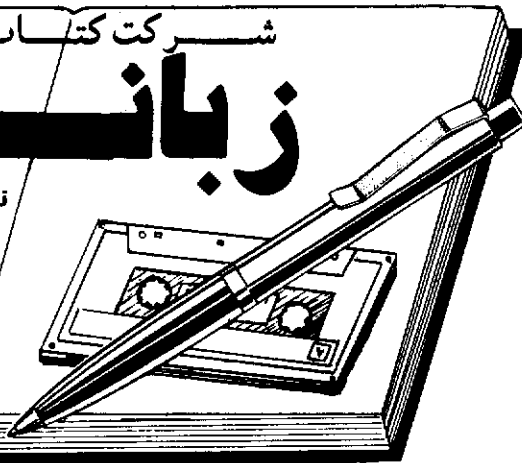
##### پی نویس ها

- ۱- یکی از دوازده حواری بود که عیسی را تسلیم دشمنانش کرد تا مصلوبش سازند.
2. Fake art.
3. Simulation of art / counterfeit art.
4. Ecclesiastical art.
5. Universal art.
6. Schiller's THE ROBBERS, Hugo's LES MISERABLES, Eliot's ADAM BEDE, Stowe's UNCLE TOM'S CABIN, Dickens' TALE OF TWO CITIES.
7. Dickens, Charles. DAVID COPERFIELD. THE PICKWICK PAPERS.
8. «God Sees the Truth, but Waits.»
9. «A Prisoner in the Caucasus.»



# شرکت کتاب و نوار زبانسرا

قابل توجه آموزشگاههای زبان، مهد  
کودکها و علاقمندان به فراگیری زبان آموزش  
زبانهای زنده دنیا با کتاب و نوار و  
فیلمهای آموزشی ویدئویی  
تهران - خیابان انقلاب - اول وصال  
شیرازی پلاک ۲۷  
تلفن: ۶۴۶۲۱۵۲ - ۶۴۶۲۶۱۲



## لجب فاه



تلفنی آگهی می پذیرد  
۳۱۱۱۲۱۵ - ۳۱۱۵۰۸۶  
۳۲۸۳۵۰

## آموزش موسیقی اصیل

«ویژه بانوان»  
۹۸۹۷۸۴

## انگلیسی

را ارزاشتر و راحت تر از هر جا  
کتابها و نوارهای ( کاست ) T.R  
یا FOLLOW ME ( ویدئویی )  
که با تجربه ۲۵ ساله خود برای شما  
تنظیم کرده ایم بیاورید. تلفن:  
۶۴۵۹۵۷۱ - ۶۴۵۹۵۲۸ - ۶۷۵۳۰۰  
تهران میدان حسن آباد جنب بانک  
ملی طبقه چهارم  
انتشارات ایران صفحه  
صدوق پستی ۶۹۷۶ / ۱۱۳۴۵

در عرض ۷۰  
ساعت

## انگلیسی

صحبت کنید  
۷۶۵۲۴۱

## دبستان غیرانتفاعی پسرانه قائم

با شرایط دانش آموز می پذیرد تلفن ۷۴۱۱۸۷۸

## برنامه آینده بزرگترین سینماها

## آموزش موسیقی سنتی

تار و سه تار ۸۸۹۲۱۳۶



کتابهای ۶ جلدی از سازه حسن جشنواره فیلم فجر

## پندرمه آفرین

فرامرز قریبیان :  
برنده سیمرغ بلورین  
برای بهترین بازیگر مرد

سرپرست  
امیر محمد نجده - شمس فضل الهی  
محمد برسوزیان - آناه قیبه نصیری  
محبوبه بیات - حسن رضائی - نرسی گسرگیا  
مجید میرزایان و سایرین - اردلان - امین نوژاد

نشانده اصغر عبداللہی  
حسن گلپزاده - امیر قوبدل  
موسیقی متن: جمشید زندی  
نویسنده: امیر محمد نجده - شمس فضل الهی  
محمد برسوزیان - آناه قیبه نصیری  
محبوبه بیات - حسن رضائی - نرسی گسرگیا  
مجید میرزایان و سایرین - اردلان - امین نوژاد

بخش از تون فیلم

## آموزشگاه علمی آزاد دخترانه

برای  
کلاسهای آمادگی کنکور اختصاصی  
مرحله دوم و عمومی کلاسهای تکدرس  
رشته های تجربی ریاضی فیزیک  
علوم انسانی و تکدرس تقویتی اول  
تا چهارم دبیرستان ثبت نام می نماید

کلاسها در دو نوبت صبح و عصر  
تشکیل می شود

نشانی: تهرانپارس تقاطع بزرگراه رسالت

ورشید نبش ۱۶۰ غربی  
تلفن ۷۷۰۹۹۲ - ۷۸۶۳۳۰۶

## گزیده سخن پارسی

۱. گزیده فیه ما فیه تلخیص، مقدمه، و شرح : دکتر حسین قمشای قیمت: ۱۸۰۰ ریال
- مقالات مولانا  
(چاپ سوم)
۲. مخزن الاسرار تلخیص، مقدمه، و توضیحات : عبدالمحمد آینی قیمت: ۱۷۰۰ ریال
- نظامی گنجوی  
(چاپ سوم)

خواستاران این کتابها در شهرستانها می توانند بهای آنها را به حساب شماره ۴۹۶/۱۱ بانک مرکزی واریز نمایند (از همه شعب بانک ملی می توان به این حساب حواله کرد) و اصل فیش بانکی را همراه با فرم تکمیل شده زیر به دفتر مرکزی این شرکت ارسال دارند تا کتابها با پست سفارشی برای آنها فرستاده شود (لطفاً کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

اینجانب ..... به نشانی .....  
 کدپستی: .....  
 با ارسال اصل فیش بانکی شماره ..... به مبلغ .....  
 ریال درخواست می نمایم نسبت به ارسال کتابهای .....  
 اقدام فرمایید.

انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی  
(شرکت سهامی)



دفتر مرکزی فروشگاه بزرگ کتاب: تهران، خیابان افریقا، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، شماره ۴،  
 کد پستی ۱۵۱۸۷؛ تلفن: ۶۸۴۵۶۹-۷۰ و ۸۰۱۷۶۰۵-۶  
 فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، جنب دبیرخانه دانشگاه تهران